

# بررسی نظری و تحلیلی حقوق فردی

## «با تکیه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

محمد رضا جویانی یزدانی\*

### مقدمه

دین مبین اسلام به فرد نه به عنوان محور تمام مسائل توجه نموده و نه او را هم چون بعضی مکاتب اشتراکی نفی می‌کند، بلکه نقش انسان را در کنار عامل اجتماع مدنظر قرار می‌دهد، به نحوی که با اهمیت دادن به فرد، تجاوز به حریم افراد را منع کرده، حقوق او را به رسمیت می‌شناسد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از آموزه‌های اسلامی است، از این مهم به دور نبوده، در فصل سوم (حقوق ملت) به گونه اختصاصی و در فصول دیگر به نحو عام حقوق فردی را محترم دانسته، این حقوق را در قالبی نظام یافته، تبیین نموده است.

بیان حقوق فردی در قانون اساسی بدان جهت است که از شرایط یک قانون اساسی<sup>۱</sup> مطلوب آن است که در کنار پرداختن به حقوق و وظایف زمام‌داران و نهادهای حاکم، حقوق عمومی افراد<sup>۲</sup> را بیان نماید و ضمانت اجرای نقض این حقوق را جهت اجرای هر چه بهتر و بیشتر آنها معین سازد. افزودن بر این، رعایت حقوق فردی امری اجتناب‌ناپذیر

# مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

#### 1. constitution

۲. حقوق عمومی افراد؛ یعنی آزادی‌های عمومی مردمان و مساوات و اقسام آن مانند آزادی شغل و کار، آزادی عقاید سیاسی، آزادی عبور و مرور و اقامت در داخل و خارجه و غیره و مانند تساوی در برابر دادگاه‌ها و تساوی در دادن مالیات‌ها و تساوی در تصدی مشاغل رسمی و غیره (محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱ ص ۱۷۳۲ (انتشارات گنج دانش، ج ۱، ۱۳۷۸).

است. در غیر این صورت «عدم توجه به ابعاد مسئله باعث بروز آشفتگی و مشکلات عدیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و روانی در جامعه خواهد شد به ترتیبی که اصول قانون اساسی به مثابه اصولی توخالی و شعار مانند خواهد بود.»<sup>۱</sup> با توجه به آنچه گفته شد، مروری بر حقوق فردی لازم به نظر می‌رسد، اهمیت موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان آرمان یک ملت بزرگ در فصلی جداگانه طی چند اصل به حقوق افراد پرداخته است.

پس از ذکر مقدمه، در بحث حاضر سعی داریم با رویکردی تحلیلی، چشم‌اندازهایی از حقوق عمومی افراد را در قانون اساسی بررسی کنیم. به این ترتیب مطالب را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. در بخش اول به مباحث نظری حقوق فردی مشتمل بر عقاید، نظریات و مشخصات حقوق افراد پرداخته و در بخش دوم چشم‌اندازهای حقوق افراد در قانون اساسی را بررسی خواهیم کرد.

### بخش اول: مباحث نظری

در باب حقوق فردی، مباحث نظری فراوانی در کتب حقوقی - سیاسی می‌توان یافت. به دور از پرداختن به تمام آن نظریات، هدف آن است که با ارائه کردن پایه‌های نظری حقوق عمومی افراد، راه را برای تبیین این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هموار نماییم. بنابراین به ذکر خلاصه‌ای از نظریات، و مشخصات مرتبط با این موضوع در این قسمت اکتفا می‌کنیم:

#### ۱. نظریه اصالت فرد یا فردگرایی<sup>۲</sup> در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مکتب اصالت فرد ناشی از بینش مذهبی مسیحیت است؛ زیرا فرد انسانی از زاویه دید مسیحیان، تصویری از الوهیت و پرتوی از شعشعه ذات باری به شمار می‌آید. این خود به برتری فرد بر گروه و جماعت می‌انجامد. از سوی دیگر نظر به این که از قدرت و دولت در جوامع بشری گریزی نیست، لذا می‌بایستی درصدد کشیدن حصار به دور موجودیت و حیثیت فرد می‌بودند تا قدرت سلطه‌جوی حاکم را یارای تجاوز به حریم فرد نباشد.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: ابوالفضل قاضی، گفتارهایی در حقوق عمومی (انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۵) ص ۲۲۲.

2. individualism

۳. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، ص ۶۴۶ (انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰).

نظریه اصالت فرد در قرون نوزدهم و بیستم در کشورهای غربی طرف داران زیادی پیدا کرد، به گونه‌ای که در این اعصار تار و پود مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این ممالک حول محور حقوق افراد و آزادی‌های عمومی دور می‌زند و آزادی‌گرایی<sup>۱</sup> بر مبنای تئوری فرد استحکام یافت.<sup>۲</sup>

## ۲. محدود نبودن حقوق فردی

یکی از مشخصات حقوق فردی این است که نمی‌توان فهرستی از آنها تهیه و ادعا کرد که تعداد مزبور قطعی و کامل است و دولت فقط مکلف به رعایت آنهاست و خارج از آنها بر دولت تکلیفی نیست؛ زیرا اختیارات و حقوق دولت ناشی از مردم است، لذا هرگونه اختیاری که به موجب قانون اساسی به حکومت تفویض نشده باشد طبق اصل کلی برای مردم محفوظ خواهد ماند.

هم چنین هدف از احصا و ذکر حقوق افراد در قوانین اساسی منحصر کردن آنها نیست، بلکه بیان نظایر و امثال و مصادیق آنها است، با مرور زمان و بسط روابط میان افراد و حکومت، حق‌های جدیدی در عرصه حقوق عمومی ظاهر می‌شود که ممکن است در قانون اساسی به صراحت ذکری از آنها نرفته باشد.<sup>۳</sup>

## ۳. مطلق نبودن حقوق فردی

آزادی افراد حتی در مواردی که مطابق قانون مباح بوده [و] منعی برای آنها پیش بینی نشده باشد، مطلق و نامحدود نیست، بلکه «حدی» برای آن مقرر شده است تا حقوق و آزادی‌ها در درون آن به مورد اجرا گذاشته شود. «حد» مزبور «مصلح عمومی» است که خطوط و مرز آن ثابت و مشخص نیست و به اعتبار زمان و مکان و شرایط واحوال در تحول و تغییر است.<sup>۴</sup>

### 1. liberalism

۲. در مقابل نظریه اصالت فرد، نظریه اصالت اجتماع (socialism) مطرح می‌گردد که بر نقش جامعه و دولت در زندگی انسانی تأکید داشته، معتقد است که دولت به عنوان نماینده جامعه بایستی تمامی ابزار تولید را در دست داشته باشد.

۳. جعفر بوشهری، حقوق اساسی، ص ۳۰ (نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶).

۴. همان، ص ۳۱.

#### ۴. نظریه محدودیت

چون از نظرگاه آزادی‌طلبان، قدرت مستقر یا دولت - کشور<sup>۱</sup> بر حسب ماهیت توسعه طلب و ستم‌گر است و اگر بی محدودیت و مهارها شود، ممکن است فرد را که غایت اصلی قوانین اساسی است فدای مصلحت و امیال قدرت‌کنند پس بایستی با تعیین قلمروی مشخص که ویژه نخبه‌بانی فرد است، مرز عملکردهای دولت را به گونه‌ای ترسیم کرد که نتواند به حریم حرمت فردی تجاوز نماید.<sup>۲</sup> کوتاه سخن آن که در این تئوری تحدید حدود قدرت دولت جهت حفظ حقوق فردی مدنظر است.

#### ۵. نظریه مقاومت

افزون بر حریم غیرقابل دست‌یابی فردی، هدف لیبرال‌ها این نیز بود که حتی در چهاردیواری و قلمرو اعمال قدرت دولت هم، حقوقی با خصلت ممانعت و جلوگیری از خودکامگی‌ها و هم چنین مقاومت افراد در برابر قدرت به وجود آید.<sup>۳</sup> بنابراین، اساس این نظریه بر جلوگیری از استبداد دولت و مقاومت افراد در برابر آن استوار است.<sup>۴</sup>

### بخش دوم: چشم‌اندازهای حقوق فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این بخش حقوق فردی را با تکیه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. اولین مطلبی که در این زمینه قابل ذکر است، ساختار داخلی حکومت جمهوری اسلامی ایران از دید حقوقی است. اگر چه نحوه تکیه قوا، چگونگی سپردن وظایف تقنینی، اجرایی و قضایی به دستگاه‌های موردنظر و منشأ حاکمیت در قانون اساسی<sup>۵</sup> جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی گردیده است، اما مواردی چون بسیط<sup>۶</sup> بودن یا

۱. دولت - کشور یعنی اندیشه تجزیدی از عوامل سه‌گانه جمعیت، سرزمین و قدرت سیاسی. بنابراین، می‌توان گفت دولت - کشور عبارت است از جامعه انسانی مستقر در یک سرزمین که دارای قدرت سیاسی می‌باشد. (جهت آگاهی بیشتر رک: ابوالفضل قاضی، همان، ص ۱۲۲ به بعد.)

۲. ابوالفضل قاضی، همان ص ۶۴۹. ۳. همان، ص ۶۴۹.

۴. جهت آگاهی بیشتر در خصوص تئوری‌های حقوق فردی و مباحثی از این قبیل رک: جعفر بوشهری، همان، ص ۲۹- ۷۸ و ابوالفضل قاضی، همان، دفتر پنجم (مردم و حکومت) ص ۶۲۵ به بعد.

۵. اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۶. دولت - کشور بسیط (simple government) کشوری است که دارای حکومت واحد سیاسی است و همه افراد و سازمان‌های موجود در آن از قدرت واحد سیاسی اطاعت می‌کنند. فرانسه و ایران نمونه‌های این دولت - کشور هستند.

فدرالی<sup>۱</sup> بودن، متمرکز یا غیر متمرکز<sup>۲</sup> بودن حاکمیت معلوم نیست. مسلم است که هر کدام از شیوه‌های اداره امور مذکور در بالا بر حقوق فردی تأثیری جداگانه و متفاوت دارد، به نحوی که در یک کشور با شیوه اداری تمرکز، حقوق افراد، کمتر از یک کشور با سیستم مبتنی بر سامانه عدم تمرکز است.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن بیان اصول کلی<sup>۳</sup> در اصل (۴)<sup>۴</sup> صراحتاً حاکمیت اسلام را بر تمام قوانین و مقررات مقدر نموده و این اصل را بر همه اصول قانون اساسی حاکم دانسته است. در نتیجه رعایت موازین اسلامی در تمام اعمال تقنینی، اجرایی و قضایی لازم است. از طرف دیگر مراتب حقوق فردی نیز در اصول کلی قانون اساسی (اصول ۳، ۶، ۷ و ۹) تصریح گردیده است؛ ولی حاکمیت این اصول بر دیگر اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات پیش بینی نشده است. «به نظر می‌رسد آنچه در پایان اصل چهارم درباره قلمرو حکومت «موازین اسلامی» بر همه قوانین آمده است، در خصوص تمام اصول کلی فصل اول قانون اساسی قابل اعمال باشد و مقام و شأن اصول کلی اقتضا دارد که بر «اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم» باشد... در واقع ضابطه‌ای که برای تأمین حکومت موازین اسلامی گفته شده، قاعده ناظر به همه اصول کلی است که به دلیل اهمیت ویژه‌ای که رعایت مبانی اسلام دارد در این اصل آمده است»<sup>۵</sup>.

۱. فدرالیسم (federalism) یعنی گرایش به اتحاد دولت‌هایی مستقل با حفظ شخصیت حقوقی - سیاسی آنها.

ایالات متحده آمریکا مصداق بارز فدرالیسم است.

۲. تمرکز (centralization) و عدم تمرکز (decentralization) شیوه‌های اداره امور در یک کشور بیست می‌باشند که حسب شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... حکومت مرکزی تصمیم به اجرای این سبک‌ها می‌گیرد. در سیستم تمرکز، اداره امور ملی و محلی در بد طولای دولت مرکزی بوده، ولی در عدم تمرکز امور ملی در دست دولت مرکزی و امور محلی در اختیار مقامات محلی است.

۳. اصول قانون اساسی جمهوری ایران شامل ۱۴ اصل بوده که فصل اول این قانون را اصول کلی تشکیل می‌دهد. این اصول، تعیین کننده و عام بوده و جنبه‌های اجرایی آنها در اصول ۱۵ به بعد قانون اساسی بیان شده است.

۴. به لحاظ اهمیت اصل ۴ قانون اساسی متن اصل مذکور عیناً نقل می‌گردد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است».

۵. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی (نشر دادگستر) پاورقی؛ ص ۴۷.

### ۳. چاره‌ای برای تضاد آزادی و قدرت

در یک کشور با نظام دیکتاتوری، در میان دوراهی قدرت و آزادی، صاحبان قدرت، حدود و مرزهای آزادی را مشخص می‌کنند به عبارتی بهتر در این نظام، اصل بر وجود قدرت است، اما در یک کشور مبتنی بر ارزش‌های مردم سالار اصل بر وجود آزادی است، بنابراین حکومت دموکراتیک بایستی آزادی‌های فردی را به رسمیت شناخته، در صدد تأمین آنها برآید. این امر برآمده از اصلی در حقوق عمومی است که از آن به «اصل آزادی» تعبیر می‌کنند.

«نتیجه مهمی که از اصل آزادی گرفته می‌شود این است که در مقام نظم بخشیدن به رابطه دولت و مردم و تفسیر و اجرای قوانین، هر جا که اختلاف و تردیدی در حدود تکالیف اشخاص یا اختیار مقام‌های حکومت ایجاد شود، باید آن را به سود «اصل آزادی» تعبیر کرد... به بیان دیگر انسان در اندیشه و عمل آزاد است مگر این که قانون (یا شرع) به طور مسلم آن را ممنوع کرده باشد»<sup>۱</sup>.

در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام مردمی و دموکراتیک، بایستی قانون اساسی از پایین به بالا تفسیر گردد، چون در نظام جمهوری اسلامی که نشأت گرفته از انقلاب شکوهمند مردمی و حاصل مبارزات و فداکاری‌های مردم بوده، طبیعتاً قانون اساسی برآمده از افراد مردم است نه طبقه فرمانروا و حاکم. از این رو در مقام قانون‌گذاری، اجرا، قضا و... حفظ حد و مرز آزادی‌های عمومی به عنوان پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی وظیفه دولت است. «پس دریغ است که ما شاخه‌های فرعی قدرت را مجرد از این پایه هامعنا و تفسیر کنیم و سایه‌های اصول کلی تمدن خود را بر آنها فراموش سازیم»<sup>۲</sup>.

با توجه به آنچه پیشتر گفته شد «دولت در اعمال حاکمیت خود باید آن چنان رفتار کند که به (حقوق فردی) و آزادی‌های مردم کمترین لطمه‌ای وارد نشود. التزام عملی در مقابل «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون»<sup>۳</sup> تکلیف قانونی دولت به شمار می‌رود»<sup>۴</sup> بنابراین دولت نمی‌تواند به هر شکل باشد، مانع رشد آزادی فعالیت مادی و فکری و اخلاقی فرد شود.<sup>۵</sup>

۱. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۴۲۸.

۲. همان، ص ۴۳۲.

۳. بند ۷ اصل سوم قانون اساسی.

۴. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۹۶ (انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۲).

۵. دوگی، رساله حقوق اساسی، ج ۵، به نقل از ناصر کاتوزیان، همان، پاورقی ص ۴۲۹.

#### ۴. لزوم تغییر ناپذیری حقوق ملت

بازنگری در قانون به علت رفع نقایص، اصلاح و تکمیل آن امری ضروری می‌نماید. وانگهی تجدید نظر در قانون؛ خاصه قانون اساسی همواره محدود به شرایطی است که از آن جمله به «محدودیت‌های موضوعی» می‌توان اشاره کرد. توضیح این که برخی موضوعات به لحاظ شرایط و ساختار سیاسی، اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر جامعه نباید قابل بازنگری در قانون اساسی باشد، تا جایی که بعضی از صاحب‌نظران حقوق اساسی بازنگری در «اصول پایه‌ای» کشور را به منزله مخدوش شدن وفاداری نسبت به نظام سیاسی دانسته، مقرر داشته‌اند که تغییر در این اصول نباید از طریق بازنگری میسر باشد.<sup>۱</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۷ متعرض مسئله بازنگری در قانون اساسی شده است. به ترتیبی که پس از ذکر ضرورت بازنگری و ترکیب شورای بازنگری مقرر می‌دارد:

«محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکای به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است».

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در اصل ۱۷۷ قانون اساسی پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران بیان شده و تغییرناپذیری این بنیان‌ها ویژگی برجسته آنها قلمداد شده است، اما به «حقوق ملت» به عنوان یکی از مبناهای نظام جمهوری اسلامی و تغییرناپذیری آن تصریحا اشاره‌ای نشده است. نظر به این که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبارزات مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی و فداکاری‌های ملت<sup>۲</sup> تثبیت گردیده، ضروری است حقوق ملت به عنوان یکی از موضوعات غیرقابل تجدید نظر در قانون اساسی لحاظ شود تا اهمیت، نقش و جایگاه حقوق مردم در قانون مذکور بیش از پیش معلوم گردد.

۱. ر.ک: سید محمد هاشمی، همان، ص ۴۵.

۲. نقل از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.